

هو العليم

بررسی حکم قرائت قرآن در نماز از روی مصحف

سلسله دروس خارج فقه - وجوب عمره مفرده و
بحث از تکرر آن در یکماه - جلسه 147

استاد

آیت الله حاج سید محمد محسن حسینی طهرانی
قدّس الله سرّه

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

با توجه به وضعیتی که سال قبل داشتیم، می‌توانیم بگوییم که به‌طور کلی بحث فقهی متروک شد و جلسات معدودی هم که بود، به مباحث فلسفی گذشت؛ لذا اگر امسال به همان کیفیت پیش برویم، به دستور مرحوم آقا - رضوان الله تعالی علیه - که اطلاع دارید، عمل نکرده‌ایم. امسال بنا را بر این گذاشتیم که ابتدا بحث فقهی باشد و بحث دوم فلسفه باشد. حالا بعضی از روزها اگر موانعی مانند خستگی و امثال ذلک مانع از بحث دوم شد، بحث اول به جای خودش باقی باشد.

اِنْ شَاءَ اللَّهُ از جلسه بعد - اگر خدا بخواهد - همان بحث فقهی را ادامه می‌دهیم و به دنبال آن بحث فلسفی [را بیان می‌کنیم] ولی سعی می‌کنیم که هر کدام بیشتر از نیم ساعت طول نکشد که به توصیه آقایان [اطباء] هم عمل شده باشد.

حکم قرائت قرآن از روی مصحف در نمازهای یومیه

امروز می‌خواستم بحث حج را شروع کنم اما مسئله‌ای پیش آمد و آن مسئله هم خیر بود که ما در مسئله‌ای فقهی تجدید نظر کنیم. از آنجایی که یادم هست یک شب از شب‌های پنج‌شنبه در همین مدرسه فیضیه - آن موقع که مباحث فقهی، خارج از بحث معمول و متداول کلاسیک مطرح و

صحبت می‌شد - صحبت از قرائت قرآن از روی مصحف در نمازهای یومیه شد و نتیجه صحبت و بحث بر احتیاط قرائت از روی مصحف و عدم جواز در نمازهای مکتوبه و یومیه شد اما گفتیم که در نوافل اشکال ندارد. من در این مدت نسبت به نتیجه این بحث، رضایت خاطر نداشتم و این مسئله برای من به صورت معمایی باقی مانده بود ولی به کسی نمی‌گفتم، سؤال هم که می‌کردند، در پاسخ می‌گفتم: «مسئله، طبق قاعده و ظاهر به این کیفیت است چون نصّ روایت است و ما از خودمان نمی‌توانیم چیزی بگوییم.»

اما صرف نظر از فتوای بزرگان بر جواز قرائت و حتی حکم به استحباب آن حتی سُور عزائم و آیه سجده در سور عزائم، در تمام این مراتب و موارد، فی‌حدّ نفسه برای من یک سؤال و معما بود که چه اشکالی دارد که مصلى سوره‌اش را در نماز با نظر به مصحف قرائت کند؟! چه مانعی وجود دارد که در روایات نسبت به این قضیه منع شده است؟! فقهای هم که در این مسئله فتوا داده‌اند، بعضی قائل به حرمت و بعضی قائل به جواز و بعضی قائل به احتیاط شده‌اند، لابد رفقا در آن زمان تقریرات را مطالعه کرده‌اند، کلام مرحوم آقا شیخ محمدحسن صاحب جواهر نسبت به این مسئله هم به همین کیفیت بود.¹

¹ جواهر الکلام، ج 9، ص 343:

«و لا يجوز أن يقرأ في الفرائض شيئاً من سور العزائم كما هو المشهور بين الأصحاب شهرة كادت تكون إجماعاً، بل هو كذلك في الغنية و التذكرة و عن الانتصار و الخلاف و نهاية الأحكام و كشف الالتباس و

روایتی هم که در این زمینه آورده‌اند؛ روایت صحیحۀ علی بن جعفر از حضرت موسی بن جعفر علیهما السّلام از قرب الإسناد بود که صحیح بود؛¹ لذا این مطلب برای من به‌عنوان مسئله لاینحلی باقی مانده بود و از یک طرف هم راه مفرّی برای تغییر این فتوا نداشتیم، بحث آن را هم کرده بودیم؛ البته یادم هست که من در آن موقع روی این مسئله عمیق مطالعه نکرده بودم ولی از آنجایی که همان سبق ذهنی من نسبت به این مسئله حاکی بود؛ لذا توجه نمی‌کردم و می‌گفتم که فعلاً قضیه این‌طور است تا بعد روشن شود. چون بالأخره انسان تابع یک مبانی است و با توفیق الهی می‌تواند از مطالب و مطاوی روایات و آثار و مبانی وارده، حال و هوایی از آن رایحه تکلیف، ملاک و مناط حکم استشمام کند.

خلاصه این دو قضیه باهم، [همخوانی] نداشتند؛ از طرفی روایات زیادی راجع به قرائت قرآن در نماز به‌نحو مطلق داریم که: «مَنْ قَرَأَ فِي

إرشاد الجعفرية ...»

¹ وسائل الشیعة، ج 6، أبواب القراءة فی الصّلاة، باب 40، ص 106، ح 4:

«عَبْدُ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ فِي قُرْبِ الْإِسْنَادِ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ عَنِ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنِ أَخِيهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَقْرَأُ فِي الْفَرِيضَةِ سُورَةَ النَّجْمِ، أَوْ يَرْكَعُ بِهَا أَوْ يَسْجُدُ ثُمَّ يَقُومُ فَيَقْرَأُ بِغَيْرِهَا قَالَ: "يَسْجُدُ ثُمَّ يَقُومُ فَيَقْرَأُ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ، وَ يَرْكَعُ (و ذَلِكَ زِيَادَةٌ فِي الْفَرِيضَةِ) وَ لَا يَعُودُ يَقْرَأُ فِي الْفَرِيضَةِ بِسَجْدَةٍ".»

الصلاة»... این روایات از امام رضا، امام صادق، امام باقر، رسول خدا، امیرالمؤمنین علیهم السلام می‌باشند و به این مضمون هستند که اگر کسی این سوره یا آن سوره را بخواند یا مثلاً حم سجده بخواند، حم دخان بخواند و امثال ذلک فلان قدر ثواب دارد یا فلان آثار و فوائد را دارد و....

همه افراد که سور حم سجده و حم دخان را حفظ نیستند یعنی وقتی که از نقطه نظر شَم الاجتهاد و الاستنباط به مطلب نگاه کنید، این مسئله برای انسان روشن می‌شود که این همه استحباب، فوائد و آثاری که برای قرائت مثلاً سوره واقعه، حم سجده، حم دخان، زمر یا سور طُوال ذکر شده‌اند، آیا فقط منحصر به افرادی است که حافظ این سور هستند یا اینکه برای همه است؟! یعنی حالا اگر کسی این سور را حفظ نیست، باید از این ثواب محروم باشد؟! آیا شرع چنین تجویز و اجازه‌ای به خودش می‌دهد که بگوید: «این ثواب‌ها برای افرادی است که این سور را از حفظ دارند و اگر کسی حفظ نباشد حق ندارد که از روی قرآن چیزی بخواند و کسی که نمی‌تواند بخواند، از این ثواب محروم است»؟! همه افراد که نمی‌توانند قرآن حفظ کنند! حالا کلاس‌هایی دائر شده است و افراد به این کلاس‌ها می‌روند و این سور را حفظ می‌کنند.

سرد این مسئله و جریان این قضیه، - لولا مسائل و مقارنات دیگر و امثال ذلک - این مطلب را برای انسان روشن می‌کند که وقتی شارع مقدس اثری را بر حکمی مترتب می‌کند، یک

نظر عام نسبت به همه افراد مصلی دارد و فقط به کسانی که حافظ سور هستند نظر ندارد.

استحباب تلاوت سوره جمعه در شب جمعه در نماز

مثلاً وارد است که در شب جمعه سوره جمعه را بخوانند،¹ آیا ثوابها فقط برای کسانی که آن سوره را از حفظ بخوانند، مترتب می‌شود؟! یا اگر از روی کاغذ باشد، یا از روی دیوار باشد، یا از حفظ بخواند، یا از روی قرآن بخواند، بالأخره سوره جمعه در لیلۃ الجمعة قرائت و تلاوت شود، آن ثواب مترتب می‌شود؟ کدامیک از این دو مطلب همخوانی دارد؟! این مطلب را که خدمتتان عرض کردم به‌خاطر نکته خیلی مهمی است که به‌طور کلی چطور ما از آن حقیقت و مبنای دین فاصله گرفته‌ایم. چطور امکان دارد شارع بگوید که در شب جمعه یا در شب شنبه، یا در صبح دوشنبه، یا در نماز مغرب و عشاء، اگر کسی این سوره را بخواند، این آثار بر او مترتب می‌شود اما منحصر به کسانی باشد که حفظ هستند و کسی که حفظ نیست، هیچ اثری برای او نیست و آن شخص باید ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾² و یا سوره ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾³ بخواند؟! انسان

¹ تهذیب الأحكام، ج ۳، تتمه کتاب الصلاة، باب 1، ص ۷، ح 18:

«عَنْ حَرِيْزٍ وَ رِبْعِيِّ رَفَعَاهُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: "إِذَا كَانَ لَيْلَةُ الْجُمُعَةِ يُسْتَحَبُّ أَنْ يُقْرَأَ فِي الْعَتَمَةِ سُورَةُ الْجُمُعَةِ وَ (إِذَا جَاءَكَ الْمُنْفِقُونَ) وَ فِي صَلَاةِ الصُّبْحِ مِثْلُ ذَلِكَ وَ فِي صَلَاةِ الْجُمُعَةِ مِثْلُ ذَلِكَ وَ فِي صَلَاةِ الْعَصْرِ مِثْلُ ذَلِكَ».

² سوره اخلاص (112) آیه 1.

³ سوره ناس (114) آیه 1.

نمی‌تواند با تحریصی که نسبت به این قضیه وارد است، چنین تصویری نسبت به شارع داشته باشد. حالا بگذریم از روایتی از امام رضا علیه السلام که می‌فرماید:

عن الفضلِ بنِ شاذانَ عن الرضا عليه السلام
أنه قال: «أُمِرَ النَّاسُ بِالْقِرَاءَةِ فِي الصَّلَاةِ لِنَلَا يَكُونَ
الْقُرْآنُ مَهْجُورًا مُضِيْعًا و لِيَكُونَ مَحْفُوظًا
مَدْرُوسًا» الحديث¹.

و امثال‌ذلک که همه این مطلب را تأیید می‌کنند که نفس سرد و جریان این حکم، اقتضای استحباب قرائت مصحف را در نماز می‌کند، اصل مسئله چنین مطلبی است؛ لذا باهم همخوانی ندارند.

اینجا از همان جاهایی است که خدمت رفقا عرض کردم که انسان خودش باید فی‌حدّ نفسه به مرتبه و مرحله‌ای برسد که وقتی به روایت نگاه می‌کند، احساس کند که لسان دلیل بر چه منوالی جریان دارد، یکی از آن موارد همین مورد است. ظاهر روایت علی بن جعفر دلالت بر بطلان نماز کسی می‌کند که از روی مصحف قرائت کند اما وقتی به این مسئله نگاه کنید، می‌گویید که این مطلب چه عاملی می‌تواند داشته باشد؟! حداقل این است که انسان را در فکر فرو می‌برد یعنی برای انسان یک علامت سؤال ایجاد می‌کند.

لذا این قضیه به‌نحو ابهام بود تا اینکه چندی پیش یکی از دوستان از مشهد تماس گرفت و سؤال کرد که آیا نظر شما همین است؟! گفتم:

¹ وسائل الشیعة، ج 6، ابواب قراءة فی الصلاة، باب 1، ص 38، ح 3.

«بله، نظرم این است که احتیاطاً قرائت از روی مصحف را در صلاة باید ترک کرد، شاید به این جهت است که با حالت نماز تنافی دارد.»

نظر علامه طهرانی راجع به قرائت قرآن با مصحف در نماز

ایشان گفت که آخر نظر مرحوم آقا این طور بود. گفتم: بله، بنده نظر ایشان را می‌دانم. نظر ایشان بر استحباب قرائت با مصحف و حتی بر جواز قرائت سُور عزائم بود و حتی به یاد دارم که ایشان حتی سجده را هم به‌عنوان یک سجدهٔ اضافی تلقی نمی‌کردند بلکه سجدهٔ اضافی در نظر ایشان، سجده‌ای بود که در نماز به‌عنوان سجدهٔ رکن و راتبه باشد. حالا اگر شخصی در نماز آیهٔ سجده بخواند و چون واجب است که سجده کند، سجده انجام دهد، رکن محسوب نمی‌شود.

من گفتم: دوباره راجع به این قضیه مراجعه می‌کنم. عرض کردم که چند سال پیش مراجعهٔ من دقیق نبود، وقتی مراجعه کردم دیدم که عجب! اصلاً این روایت دلالت بر بطلان ندارد، حتی از کسانی که روایت علی بن جعفر را دلیل بر بطلان می‌دانند، تعجب کردم!

روایاتی که در این زمینه دلالت بر استحباب قرائت سُور در نماز دارند، اِلَیْ مَا شَاءَ اللهُ خیلی زیاد هستند و نیاز به گفتن ندارد؛ خود رفاً اگر وسائل یا جامع الأحادیث دارند، ببینند. روایتی که مربوط به خصوص النظر فی المصحف می‌باشد، یک روایت است که نظر در مصحف را بلا اشکال می‌داند؛ روایت امام صادق علیه السلام است:

عَنْ الْحَسَنِ بْنِ زِيَادٍ الصَّيْقَلِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا تَقُولُ فِي الرَّجُلِ يُصَلِّي

و هو يَنْظُرُ فِي الْمُصْحَفِ يَقْرَأُ فِيهِ يَضَعُ السِّرَاجَ قَرِيباً مِنْهُ؟ فَقَالَ: «لَا بِأَسَ بَدَلِك.»¹

حضرت فرمودند که اشکالی ندارد.

اما آن روایتی که در اینجا باعث شبهه شده است، روایت مربوط به علی بن جعفر است که از موسی بن جعفر علیهما السلام روایت می‌کند:
عن علی بن جعفر، عن أخیه موسی بن جعفر علیه السلام، قال: سألته عن الرجل و المرأة یضع المصحف أمامه یَنْظُرُ فِيهِ و یقرأ و یصلی؟ قال: «لَا یَعْتَدُّ بِتِلْكَ الصَّلَاةِ.»²

شخصی مصحف را امام خودش قرار می‌دهد یعنی مقابل خودش قرار می‌دهد و بعد «یَنْظُرُ فِيهِ و یقرأ و یصلی»، حضرت فرمودند که نمی‌توان به این نماز اعتنا کرد. اگر دقت کنید متوجه می‌شوید که این روایت با روایت قبل فرق دارد؛ شخص در روایت اول مصحف را در دست می‌گیرد و بعد به واسطه نور سراج نگاه می‌کند و قرآن را می‌خواند، حضرت می‌فرمایند که نمازش درست است اما در روایت دوم مصحف را به دست نمی‌گیرد بلکه مصحف را در مقابلش می‌گذارد، کسی که مصحف در مقابلش قرار دارد باید یک دقت مضاعف کند یعنی اضافه بر آن دقتی که شخص مصحف را در دست گرفته است و همین‌طور نگاه می‌کند و می‌خواند و جلو می‌رود، باید یک دقتِ نظرِ فی المصحف هم داشته باشد. حالا اگر نور چراغ کم باشد، چشمانش را به‌نحو

¹ وسائل الشیعة، ج 6، أبواب القراءة فی الصلّاة، باب 41، ص 107، ح 1.

² وسائل الشیعة، ج 6، أبواب القراءة فی الصلّاة، باب 41، ص 107، ح 2.

خاصی می‌کند، آن طرف را نگاه می‌کند، این طرف را نگاه می‌کند، مقداری نگاه می‌کند، نمی‌دانم این کلمه چیست؟! لذا نگاه کردن به مصحف در مقابل، با نگاه کردن به مصحف در دست، زمین تا آسمان فرق می‌کند، حضرت در اینجا می‌فرمایند: اینکه نماز نشد که همین‌طور به مقابله نگاه کنی و آیه را بخوانی بعد دوباره برای تو شبهه پیدا شود و دقت کنی! این دقت کردن و شبهه پیدا شدن و تأمل کردن، حالت صلاتیه و ارتباط تو را از بین می‌برد؛ لذا حضرت نمی‌فرمایند که هذه الصلاة باطلة و حرام بلکه می‌فرمایند: «لَا يَعْتَدُّ بِتِلْكَ الصَّلَاةِ». فقهاء از این روایت استفاده حرمت کرده‌اند یعنی گفته‌اند که «لَا يَعْتَدُّ بِتِلْكَ الصَّلَاةِ» یعنی نماز باطل است. حضرت نمی‌فرمایند که این نماز باطل شد بلکه می‌فرماید که این چه نمازی است، اینکه نماز نشد. پس عبارت «این چه نمازی است یا اینکه نماز نشد» با «نماز باطل است» دو مطلب است. مثلاً حضرت می‌فرمایند که برو پی کارت با این نماز خواندنت! آخر این نماز شد که می‌خوانی؟! «لَا يَعْتَدُّ» یعنی به این نماز می‌گویند؟! این هم نماز شد؟!!

حتی اگر حضرت می‌فرمودند که این عمل حرام است، در این صورت هم این روایت نمی‌تواند با روایات دیگر مقابله کند؛ به‌خاطر اینکه نوع قرائت و نظر در مصحف در اینجا تفاوت کرده است؛ در روایت اول شخص قرآن را به‌دست گرفته است مثل اینکه از حفظ می‌خواند، تفاوتی نمی‌کند. من هم قرآن را از حفظ می‌خوانم: ﴿يَسَّ * وَالْقُرَّاءِ اِنَّ الْحَكِيمِ * اِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ * عَلٰى صِرَاطِ

مُسْتَقِيم * تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ¹ اما در روایت دوم مثلاً قرآن روی دیوار نوشته است و شخص از آنجا می‌خواند: ﴿يَسَّ * وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ * إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾؛ لذا نمی‌تواند دقیق بخواند، با خود می‌گوید که چه نوشته بود؟! ﴿الْحَكِيمِ﴾؟! ﴿الْمُرْسَلِينَ﴾ یا المرسلون؟! حضرت می‌فرماید که «لَا يَعْتَدُ بِتِلْكَ الصَّلَاةِ»، برو پی‌کارت با این نماز خواندنت، اینکه نماز نیست، تو همین‌طور به آنجا نگاه می‌کنی و برای تو شبهه ایجاد شود.

واقعیت هم همین است، شما یک کتاب را از رو بخوانید و یا در جلوی خود بگذارید و بخوانید، چقدر تفاوت می‌کند؟! در چنین وضعیتی حالت ارتباط و صلاتیت بین مصلی و پروردگار از بین می‌رود و منقطع می‌شود؛ لذا می‌گوییم که این روایت اصلاً با روایاتی که دالّ بر جواز قرائت قرآن در نماز با سُور مختلف هستند، تنافی ندارد بلکه این روایت در یک فضا است و روایات دیگر در فضای دیگر هستند و دو موضوع مختلف‌اند. قرائت از روی مصحف به‌جای خودش باقی می‌ماند و همان‌طوری‌که از سایر روایات به‌دست می‌آید، استحبابش هم به جای خود باقی است.

مطلب دیگری در اینجا است که بعضی‌ها در این قضیه اشکال کرده‌اند به اینکه به‌طور کلی قرائت از روی مصحف و سُور طوال باعث می‌شود که حالت صلاتیت از بین برود و خدشه پیدا کند؛ یعنی این نماز و ترکیب در نماز و کیفیت

¹ سوره یس (36) آیات 1 - 5.

نماز؛ قیام، قعود، ذکر، تلاوت و مونتازی که از این اجزاء، اذکار، اوراد، ارکان و افعال من حیث المجموع به دست می‌آید، به هم می‌خورد ولی اگر انسان بایستد و با سور غیر طوال نماز بخواند ایراد ندارد؛ لذا می‌گویند که خواندن سور طوال ایرادش به خاطر این است که شخص تبدیل به قاری قرآن می‌شود و یادش می‌رود که نماز می‌خواند.

این همان مسئله‌ای بود که من گفتم که مسئله مهمی است. اینها خیال می‌کنند که حالت مصلی، یک حالت قراردادی، اعتباری، مونتازی، ترکیبی، هیئتی و دکوری است؛ - دکور اسم خوبی است! - یعنی شخص باید جلوی خدا بایستد و دستش را بالا ببرد و حواسش را جمع کند و یک سوره بخواند، سرش را به این طرف و آن طرف نکند و حمد و سوره در یک وقت مشخص تمام شود بعد به رکوع برود و همین‌طور سایر چیزها. اگر شخصی به جای **(قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ)**، سوره بقره را خواند، از هیئت صلاتیه خارج می‌شود! عزیز من، چرا خارج می‌شود؟! در کجای صلاة داریم که هیئت ترکیبی در آنجایی است که عدد آیات یک سوره از پنج آیه یا از ده آیه تجاوز نکند؟! چه دلیلی بر این مسئله هست؟!!

این افراد اصلاً ارتباط بین بنده و خدا را نفهمیده‌اند که در وقت نماز، ایجاد ربط با پروردگار، اصل نماز و شروع در نماز است و هرچه این ربط طولانی‌تر باشد، مقربیت و موجبیت تجرد او که ایجاد تجرد می‌کند برای بنده بیشتر خواهد بود. چه فرقی می‌کند که انسان در

سجده نماز یک مرتبه «سبحان الله» بگوید یا صد مرتبه؟! حالا اگر در سجده صد مرتبه «سبحان الله» بگوید، نمازش باطل است؟! بله! طبق نص، باید در قرائت رکعت سوم، حمد یا سه مرتبه - یکی یا سه مرتبه - تسبیحات اربعه را بخواند و نمی‌تواند از آن تجاوز کند اما اگر کسی در رکوع یک مرتبه «سبحان ربی العظیم و بحمده» هم بگوید، کفایت می‌کند. حالا اگر شخصی بخواهد پنجاه مرتبه «سبحان ربی العظیم و بحمده» بگوید، چه اشکالی دارد؟! چه کسی گفته است که ایراد دارد؟! چه دلیلی بر این است که بیش از یک مرتبه کراهت دارد؟! ما این‌همه ادله داریم که نماز خواندن در فلان‌جا کراهت دارد؛ نماز خواندن در حمام کراهت دارد، نماز خواندن در خیابان کراهت دارد،¹ نماز خواندن در فلان موارد شبیه کراهت دارد، نماز بعد از طلوع فجر تا وقت ضحی کراهت دارد. انسان این نمازها را نمی‌خواند، ادله هم دارد؛ یعنی دلیل دارد؛ لابد دلیلی برای آن هست و مسئله‌ای پشت آن هست اما در کجا داریم که اگر کسی بیش از یک مرتبه «سبحان الله» بگوید یا در سجده بیش از یک مرتبه «سبحان ربی الاعلی و بحمده» بگوید، کراهت دارد؟! چه اشکال دارد که انسان در سجده نمازهای مکتوبه، ذکر یونسیه بگوید؟! «الصلاة دعاء و ذکر و صلوات و قرائت و حمد و تسبیح» این‌همه راجع به آن گفته‌اند، چه اشکال

1 وسائل الشیعة، ج 5، ابواب مکان المصلی، باب 19: باب کراهة الصلاة علی الطرق وإن لم تکن جواد، وجواز الصلاة علی جوانبها، ص 147.

دارد؟! آیا حتماً باید انسان در قنوت یک دعای دو سه خطی بخواند؟! چه اشکالی دارد که انسان در قنوت دعاهایی که در قرآن هست؛ دعاهایی که انبیاء کرده‌اند، دعای امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه که می‌فرماید:

يَا مَنْ تُحَلِّ بِهِ عُقْدُ الْمَكَارِهِ، وَ يَا مَنْ يَفْتَأُ بِهِ حَدَّ الشَّدَائِدِ، وَ يَا مَنْ يَلْتَمَسُ مِنْهُ الْمَخْرَجُ إِلَى رَوْحِ الْفَرَجِ ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ الصَّعَابُ، وَ تَسَبَّبَتْ بِلُطْفِكَ الْأَسْبَابُ، وَ جَرَى بِقُدْرَتِكَ الْقَضَاءُ.¹

بخواند؟! واقعاً عجیب است، بزرگان این دعا را در قنوت می‌خواندند. این نماز ارتباطش بیشتر است یا اینکه بگوییم: «اللهم صلِّ على محمدٍ و آلِ محمدٍ و اغفر للمؤمنين و المؤمنات و المسلمين و المسلمات الأحياء منهم و الأموات»؟! این چه تفکری است که می‌گویند: «هیئت صلاتیه در این نماز حفظ می‌شود اما در آن نماز از بین می‌رود»؟! واقعاً چه تفکری است که ما را به اینجا می‌رساند که ما چنین تصویری کنیم؟! آیا جز این است که ما هیچ فهم و برداشتی از نماز، جز یک حالت تصنع، تحجر، خشک و دکور نداریم؟! این مسئله همان جنبه‌ای است که می‌گوید: «در (إِيَّاكَ نَعْبُدُ) قصد حکایت کنید»، همان است که می‌گوید: «در (قُلِّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ)، (قُلِّ) خطاب به پیغمبر است و ما قصد حکایت می‌کنیم؛ خدا به پیغمبر گفت: (قُلِّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ)، ما هم همان را می‌گوییم و گرنه به ما چه ربطی دارد؟! خدا به ما که نفرموده است بلکه به پیغمبر فرموده است! از باب اینکه حکایت منقول

¹ مصباح (للكفعمي)، ج ۱، ص ۲۳۳؛ صحیفه السجادية، ج 1، كان من دُعائه عليه السلام إذا عَرَضَتْ لَهُ مُهِمَّةٌ أَوْ نَزَلَتْ بِهِ، مُلِمَّةٌ وَ عِنْدَ الْكُرْبِ، ص 5۲.

إلى النَّبِيِّ مِنَ اللَّهِ است، برای ما موجب جواز است و اگر خودمان بگوییم: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾، خودمان مخاطب برای این نقل قرار می‌گیریم؛ لذا نماز اشکال دارد! این همان طرز فکر است که می‌گوید: «اگر در نماز به جای ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ سوره بقره خواندی، هیئت صلاتیه از بین می‌رود»؛ یعنی نماز بی‌ارتباط است و به جای اینکه با خدا ربط برقرار کنی...! ما که نماز را با سور قصار می‌خوانیم به خاطر این است که حوصله نداریم، کار داریم، زندگی داریم، مطالعه داریم، خواب داریم، خوراک داریم و گرنه افرادی که در سابق و در زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بودند، حکایاتی از آنها نقل شده است که نماز مغرب می‌خواندند و تا موقع عشاء طول می‌کشید، عشاء می‌خواندند تا مدت طولانی طول می‌کشید، هر سجده آنها یک ربع یا بیست دقیقه طول می‌کشید¹ ولی الآن وضعیتی است که سجده جرم محسوب می‌شود و اگر انسان مقداری سجده را طولانی کند، می‌گویند که درویش و صوفی شده است، چرا سجده‌اش طول کشید؟ درویش نشده است، ریش خود را دراز نکرده است، پیش خود را دراز نکرده است! هیچی! همه چیز سر جای خود منظم و مرتب است، این بدبخت فقط دو مرتبه «سبحان الله» اضافه گفته است! فقط دو مرتبه ذکر نماز را

¹ تذكرة الاولياء، ج 1، ص 12:

«اویس را می‌آرند که در همه عمر خویش هرگز شب نخفت. یک شبی گفتم: هذه ليلة الركوع و دیگر شب گفتم هذه ليلة السجود . یک شب به قیامی بسر بردی، و یک شب به رکوعی، و یک شب به سجودی. گفتند: یا اویس چون طاقت می‌داری شبی بدین درازی بر یک حال. گفت: ما خود هنوز یکبار سبحن ربی الاعلیٰ نگفته باشیم در سجودی که روز آید، خود سه بار تسبیح گفتن سنت است. این از آن می‌کنم که می‌خواهم که مثل عبادت آسمانیان کنم.»

اضافه گفته است، آسمان به زمین آمده است؟! دلش می‌خواهد حال سجده خود را بیشتر ادامه دهد مگر گناه کرده است؟! جداً مگر گناه کرده است؟! این مطلب برای بسیاری از قفل‌ها و درب‌های بسته و نیمه‌باز و برای شبهات یک کلید است که انسان می‌تواند با این مطلب به آنها برسد.

بنابر این هیچ اشکالی ندارد که انسان در سجده هرچه می‌خواهد ذکر بگوید یا در قنوت هم همین‌طور؛ مثلاً سجده نماز ظهرش یک ساعت طول بکشد، چه اشکال دارد؟! وقتی کار نداری به سجدهات بچسب، به‌جای اینکه به جمال کسانی که نمی‌خواهی نگاهش کنی یا به‌جای نگاه به درودیوار، حداقل سجده کن و در سجده بگو که من در سجده‌ام! گاهی اتفاق می‌افتد که - گاهی البته - می‌گویند: «چرا بلند نمی‌شوی؟!» بگو که در سجده‌ام و نماز می‌خوانم!

حکم تلاوت سور عزائم در نمازهای واجب

روایات راجع به سور عزائم مختلف هستند؛ بعضی از روایات قرائت سور عزائم را جایز نمی‌دانند، بعضی از روایات خواندن سور عزائم را موجب از دیاد رکن خوانده‌اند¹ و تصریح نسبت به این مسئله است. بنابر این فتوای فقهاء بر این است که جایز نیست؛ - من ندیدم که کسی جایز بداند - کُلّ فقهاء قرائت سور عزائم را جایز

¹ الکافی، ج ۳، کتاب الصلاة، باب عزائم السجود، ص ۳۱۸، ح 6: «عن زرارة عن أحدهما عليهما السلام قال: «لا تقرأ في المكتوبة بشيء من العزائم فإن السجود زيادة في المكتوبة.»»

نمی‌دانند¹ اما یک روایت داریم که عدم جواز در آن معلل به ازدیاد رکن است بنابراین با توجه به این کسی که می‌خواهد نصف یا ربعی را از این سور را بخواند، در این صورت بلا اشکال خواهد بود؛ یعنی اگر کسی نمی‌خواهد همه سوره را بخواند مثل سوره نجم که آیه آخرش سجده دارد، یا سوره علق: ﴿أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾² که همین‌طور است یا سوره سجده که در اواسط آن آیه سجده دارد، می‌تواند تا قبل از آیه سجده را بخواند و اشکالی ندارد؛ یعنی این روایت، تعلیل عدم جواز را به ازدیاد جزء بیان می‌کند در صورتی که قاری قصد قرائت کل سوره را داشته باشد. پس تا این مقدار از کلام مرحوم آقا - رضوان الله تعالی علیه - بر اینکه قرائت سور عزائم ایرادی ندارد، را می‌توانیم موافقت کنیم. برخلاف فتوای همه فقهاء - من ندیدم که کسی قائل به جواز باشد، حالا شما خودتان ببینید - که قائل به عدم جواز هستند. لذا به‌طور کلی این‌گونه روایات را حمل بر عدم جواز به‌نحو مطلق کرده‌اند حتی بعضی از آنها فتوا به حرمت بسمله داده‌اند؛ در صورتی که بسمله جزئی از خصوص همان سوره باشد.

در اینجا یک روایت داریم که مشکل را حل می‌کند؛ از امام صادق علیه السلام سؤال می‌کنند که اگر کسی وارد در سور عزائم شده چه کند؟ حضرت می‌فرماید که قبل از اینکه به آن آیه

¹ عروة الوثقی، ج 2، ص 496؛ جواهر الکلام، ج 9، ص 343؛ حدائق الناضرة، ج 8، ص 152.

² سوره علق (96) آیه 1.

برسد، ختم کند یا اینکه منصرف به سوره دیگر شود.¹ البته اگر می‌خواهد همه سوره را بخواند و قصدش این بوده است. پس حضرت می‌فرماید که قرائت اصل سور عزائم ایراد ندارد یعنی این روایت، مطلقاتی را که دلالت بر عدم جواز می‌کنند، تقیید می‌زند چون روایات مختلف، زیاد هستند و این روایت آنها را تقیید می‌کند در صورتی که شخص، ناوی قرائت کُل سوره است، نه ناوی قرائت بعضی از سوره. لذا حضرت می‌فرماید که قبل از رسیدن به آن آیه توقف کند، حالا یک سوره نخواند یا اینکه اگر قصد اتمام سوره را دارد، قبل از رسیدن به آن آیه منتقل به سوره دیگری شود و آن سوره را تمام کند. از این جهت می‌توانیم عرض کنیم که قرائت سور عزائم در صلوات مکتوبه ایرادی ندارد، به استثناء آیاتی که آیات سجده هستند.

تلمیذ: سجده واحد که رکن نیست.

استاد: روایت دارد که رکن است.

تلمیذ: سجده واحد رکن نیست.

استاد: آن سجده ازدیاد است. اگر کسی عمداً

یک سجده اضافه کند، نمازش باطل است، حالا

کسی که عمداً آیه را می‌خواند، موجب ازدیاد

عمدی سجده نیست؟!!

¹ وسائل الشیعة، ج 6، أبواب قراءة فی الصلاة، باب 40، ص 105، ح 3:

«عن عمّار عن أبی عبدالله علیه السلام قال فی الرجل یسمعُ السجدة فی الساعة التي لا تستقیم الصلاة فیها قبل غروب الشمس و بعد صلاة الفجر، فقال: "لا یسجد و عن الرجل یقرأ فی المکتوبة سورة فیها سجدة من العزائم"، فقال: "إذا بلغ موضع السجدة فلا یقرأها و إن أحب أن یرجع فیقرأ سورة غیرها و یدع التي فیها السجدة فیرجع إلى غیرها".»

تلمیذ: آیه را عمدی خوانده است ولی سجده که عمد نیست.

استاد: سجده مترتّب بر آیه است؛ لذا نمی‌تواند آیه را بخواند و سجده نکند. وقتی که این آیه را می‌خواند سجده جدا است؛ یعنی چه بخواد یا نخواد، در سجده باشد، در خواب یا بیداری باشد، در حال غذا یا نوم باشد، در هرکاری باشد، باید آن کار را رها کرده و سجده کند، اگر شنید باید سجده کند، بعد ادامه دهد. سجده، در هر حالی مترتّب بر آیه سجده است. این سجده موجب ازدیاد رکن می‌شود؛ لذا وقتی دو سجده باهم رکن باشد، یک سجده هم نمی‌توانید انجام دهید.

تلمیذ: یک سجده رکن نیست بلکه جزء واجب است.

استاد: وقتی هر دو رکن باشد یک جزء آن، جزء واجب می‌شود و آن هم اشکال دارد.

خلاصه ما این مسئله را تا اینجا آوردیم و از این به بعد موکول به زمان ظهور می‌شود که حضرت تشریف بیاورند و بفرمایند که آیا می‌شود یا نمی‌شود! ما با این ادله و روایات تا اینجا جلو آمدیم و پیشرفت کردیم، خیلی هم پیشرفت کردیم! همه فتوا به حرمت می‌دهند، حداقل ما تا نزدیک آن آمدیم!

علامه حلی پیش محقق حلی که دایی ایشان بود، درس می‌خواند. یک روز خواجه به حله رفت، دید که محقق به علامه درس می‌دهد، علامه شاگرد خواجه بود؛ فلسفه و منطق را پیش ایشان خوانده بود. کتاب جوهر النضید هم شرح علامه است، اتفاقاً بعضی از جاهای آن از خود متن مشکل‌تر و

دقیق‌تر است. آن روز این بحث را شرح می‌داد که قبله برای کسانی که در خود مکه یا در مسجدالحرام هستند نفس‌الکعبه است و برای کسانی که خارج مکه هستند، به حکم ثانوی، همان جهت است. علامه اعتراض کرد که برای کسانی که در خود مکه و مجاور هستند نفس‌الکعبه می‌باشد ولی برای کسانی که خارج هستند، جهت کعبه است؛ یعنی دو حکم داریم؛ - حکم ثانوی نیست - یک حکم داریم برای کسانی که موطنین هستند و یک حکم برای کسانی که در بلاد بعیده هستند که برای افراد بعیده جهت کعبه است. خواجه از اشکال علامه خوشش می‌آید و می‌گوید: «رأيت شيخا كبيراً قد أبقر العلم بقرا و طفل صغيراً إن أبقاه الله صار علامة دهر». «علامه از آنجا ملقب به علامه شد؛ خواجه به ایشان این لقب را داد. البته اشکال علامه وجهی ندارد ولی بالأخره خواجه خوشش آمد و گفت: «علامه»¹.

وقتی محقق می‌خواست او را دعوا کند - ایشان هنوز بالغ نشده بود - یا مثلاً تنبیه کند، او آیه سجده را می‌خواند و محقق سجده می‌کرد، علامه هم فرار می‌کرد و بالای درخت می‌رفت و می‌گفت: «من که تکلیف ندارم!» محقق می‌گفت که از تو گذشتم!

حکم تلاوت سور عزائم در نمازهای مستحب

تلمیذ: سور عزائم در نماز مستحب اشکال دارد؟!

استاد: در نماز مستحب اشکال ندارد، نص هم

¹ ریاض العلماء، ج 1، ص 103. با اندکی تغییر و اضافات.

تلمیذ: آیا در سوره بعدی که جایگزین سوره واجب می‌شود بسم الله لازم است؟

استاد: ابتدای هر سوره‌ای بسم الله دارد.

تلمیذ: یعنی قبل از آن آیه به سوره دیگری منتقل شود؟!!

استاد: بله مثلاً وقتی سوره قلم می‌خواند به آیه سجده که می‌رسد، سوره «والذاریات» را شروع می‌کند یا مثلاً سوره «والعادیات».

تلمیذ: اگر از وسط سوره هم شروع کند دوباره بسم الله لازم است؟!!

استاد: نه، از ابتدای سوره بسم الله می‌خواهد. مثل کسی که ابتدائاً بخواند سوره کاملی در نماز بخواند. اگر کسی بخواند از وسط سوره بخواند، بسم الله لازم نیست.

تلمیذ: در رکوع و سجده غیر از ذکر معروف، اذکار دیگر جایز است؟

استاد: بله، همه چیز جایز است!

تلمیذ: «الله اکبر» جایز است؟ یعنی مثلاً اگر در رکوع یا سجده سه مرتبه «الله اکبر» بگوییم، صحیح است؟!!

استاد: نه! باید «سبحان الله» و آن ذکر را که وارد است، بخواند، آن وقت اگر بخواند اضافه بخواند اشکالی ندارد. نمی‌تواند «الله اکبر» را

¹ وسائل الشیعة، ج 6، أبواب قراءة فی الصلاة، باب 40، ص 105، ح 2:

«عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: "مَنْ قَرَأَ ﴿أَقْرَأَ بِأَسْمِ رَبِّكَ﴾ فَإِذَا خَتَمَهَا فَلْيَسْجُدْ"، إِلَى أَنْ قَالَ: "وَلَا تَقْرَأُ فِي الْفَرِيضَةِ إِقْرَأُ فِي التَّطَوُّعِ."»

به جای «سبحان الله» بگوید، اول «سبحان الله» را
بخواند بعد صد دفعه «الله اکبر» هم بگوید عیبی
ندارد، باید آن اصل باید انجام شود.
اللهم صلِّ على محمد و آلِ محمد